[خطبه‌ی اول 2](#_Toc460705287)

[تفسیر بخش اول سوره‌ی ماعون 3](#_Toc460705288)

[منکرین قیامت، تندخویی با یتیمان و بی‌تفاوتی در برابر محرومان سه ویژگی بخش اول سوره 3](#_Toc460705289)

[بخش دوم سوره‌ی ماعون 4](#_Toc460705290)

[دلایل مکی یا مدنی بودن این سوره 4](#_Toc460705291)

[تفاوت سوره‌های مکی و مدنی 5](#_Toc460705292)

[نکاتی در رابطه با بخش دوم سوره 7](#_Toc460705293)

[1. نمازگزاران غافل 7](#_Toc460705294)

[2. عبادت کنندگان ریا کار 9](#_Toc460705295)

[خطبه‌ی دوم 10](#_Toc460705296)

[نکاتی در رابطه با کار و کارگر 10](#_Toc460705297)

[ضرورت اهمیت به قشر کارگری 10](#_Toc460705298)

[ضرورت فرهنگ‌سازی و حمایت‌های دولتی و مردمی برای توسعه‌ی صنعت در منطقه 11](#_Toc460705299)

[رعایت حقوق کارگری توسط مسئولان و کارفرمایان 11](#_Toc460705300)

[شهید مطهری و خدمات بی‌نظیر ایشان 12](#_Toc460705301)

[ضرورت ارتباط مردم با روحانیت راستین 12](#_Toc460705302)

[پاسداشت روز معلم 12](#_Toc460705303)

[سنگ‌اندازی‌های کشورهای غربی و آمریکا در مذاکرات هسته‌ای 13](#_Toc460705304)

[**دعا** 13](#_Toc460705305)

خطبه‌ی اول

السلام علیکم و رحمة الله

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ**. نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی آله الاطیبین الاطهرین، سیما بقیة الله فی الارضین.

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ)[[1]](#footnote-1)** **عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله وَ مُلازِمَة امرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَزوا عِبادَالله فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَحیل[[2]](#footnote-2) (وَ تَزَوَدوا فَإِنَّ خَیرَ الزاد التقوی)[[3]](#footnote-3)**

همه شما نمازگزاران گرامی، برادران و خواهران ارجمند و خودم را به پارسایی، پرهیزکاری و فرمان‌بری از خداوند در همه‌ی احوال و شئون زندگی، سفارش و دعوت می‌کنم و از خداوند می‌خواهیم که درهای حکمت و بندگی و پارسایی را به روی همه ما بگشاید. امیدواریم خداوند همه‌ی ما را از بندگان وارسته و شایسته‌ی خود قرار بدهد.

## تفسیر بخش اول سوره‌ی ماعون

در تفسیر سوره‌ی ماعون، عرض شد که در این سوره، دو گروه مورد مذمت قرار می‌گیرند و خداوند این دو گروه را نکوهش می‌کند. یک گروه کفار و ملحدانی که به قیامت اعتقاد ندارند و گروه دیگر، انسان‌های منافق و سست ایمان هستند.

### منکرین قیامت، تندخویی با یتیمان و بی‌تفاوتی در برابر محرومان سه ویژگی بخش اول سوره

در خطاب به پیامبر گرامی اسلام6 می‌فرماید: نمی‌بینی که چگونه ویژگی‌هایی این افراد دارند. درباره‌ی گروه اول، کافران و ملحدان و تکذیب کنندگان روز قیامت و جزا، می‌فرماید: (**أَ رَءَيْتَ الَّذِى يُكَذِّبُ بِالدِّينِ\*فَذَالِكَ الَّذِى يَدُعُّ الْيَتِيمَ\*وَ لَا يحَضُّ عَلىَ‏ طَعَامِ الْمِسْكِين**‏)[[4]](#footnote-4) این انسانی که قیامت را انکار می‌کند؛ عالم غیب و ماورای این جهان را تکذیب می‌کند، دو خصوصیت دارد که در قرآن کریم، هم در این سوره و هم در سوره‌های دیگر مورد مذمت شدید قرار گرفته‌ است. اول؛ (**فَذَالِكَ الَّذِى يَدُعُّ الْيَتِيمَ** ‏)[[5]](#footnote-5) اولین خصوصیت این انسان بی‌اعتقاد، این است که دست رد به سینه‌ی یتیمان می‌زند و یتیم را رد می‌کند. ما درباره‌ی این و موقعیت یتیم و نگاه و تأکیداتی که اسلام نسبت به یتیم در جامعه دارد، در خطبه‌های قبل بحث کردیم.

دوم؛ (**وَ لَا يحَضُّ عَلىَ‏ طَعَامِ الْمِسْكِين**‏)[[6]](#footnote-6) این انسان، کسی است که برای غذای محرومان و گرسنگان، تشویق نمی‌کند. برای سیر شدن گرسنگان و محرومان، تشویق‌کننده نیست. درحالی‌که هر انسان و هر جامعه‌ای در برابر مسکینان و گرسنگان و محرومان خود، وظیفه‌ای دارد و در پیشگاه خداوند مسئول است. این آیات را قبلاً بحث کردیم. در این آیات، انسان بی‌اعتقاد به خداوند و قیامت که رنج دیگران را احساس نمی‌کنند و در برابر یتیم، تندخویی و خشونت می‌ورزد و حقوق او را ضایع می‌کند و به ادای حقوق یتیم نمی‌پردازد و همین‌طور انسان‌های بی‌خیال و بی‌تفاوتی که در برابر رنج و مرارت گرسنگان و محرومان، مورد مذمت خداوند قرارگرفته‌اند. شأن نزول این سوره هم ابوسفیان و داستانی بود که عرض کردیم. این بخش اول سوره است. سه صفت در این سوره، مورد مذمت قرار گرفته بود. انکار قیامت، تندخویی با یتیمان و بی‌تفاوتی در برابر گرسنگان و محرومان؛ این سه صفت بسیار ناپسند که ارکان سعادت و رشد و ارتقای معنوی و مادی یکجامعه را تهدید می‌کند؛ در بخش اول این سوره موردتوجه قرار گرفته است.

## بخش دوم سوره‌ی ماعون

اما بخش دوم سوره، این آیات است؛ (**فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ\*الَّذِينَ هُمْ عَن صَلَاتهِِمْ سَاهُونَ\*الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ\*وَ يَمْنَعُونَ الْمَاعُون**)[[7]](#footnote-7)‏ در قسمت دوم این سوره، کاری به کفار و مشرکین و ملحدان ندارد؛ بلکه با مسلمانان منافق و سست ایمان سروکار دارد. عده‌ای، ملحد و کافر و عده‌ای دیگر، منافق و سست ایمان هستند. به‌احتمال‌قوی، قسمت اول این سوره، در مکه نازل‌شده است. وقتی‌که پیامبر گرامی اسلام6 در مکه، با کفار و مشرکین مواجه بودند و آن اتفاق ابوسفیان که قبلاً نقل کردیم، رخ داد، این آیات در مذمت کفار و مشرکین و بی‌اعتقاد‌های مشرکین نازل شد.

### دلایل مکی یا مدنی بودن این سوره

بخش دوم سوره، از (**فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ**) به‌احتمال‌قوی در مدینه نازل‌شده است. در مکه منافق به آن معنا نبود؛ برای این‌که هنوز اسلام دارای قدرتی نبود و امکاناتی نداشت؛ وضعیت ظاهری برای اسلام و مسلمانان نبود که افراد زیادی به‌ظاهر در جلگه‌ی اسلام قرار بگیرند ولی در دل بی‌ایمان باشند و لذا در مکه مشرکان هستند. البته اواخر یا وسط‌های دوره‌ی مکه ممکن است در مکه هم عده‌ای به خاطر پیش‌بینی آینده و تیزهوشی، مسلمان شده و بعد منافق شده باشند؛ اما در مکه بیشتر مشرکان هستند. مقابل صریح و رسمی جبهه‌ی اسلام و پیامبر اسلام هستند؛ اما در مدینه قصه عوض می‌شود. وقتی‌که پیامبر خدا از مکه به مدینه هجرت کردند و مردم مدینه از مسلمانان استقبال کردند و برای اولین بار پایه‌های حکومت اسلامی در مدینه طراحی شد، طبعاً موج اسلام، سراسر مدینه را در برگرفت و در طول 9 سال و اندی، در چند مرحله موج اسلام و حکومت و حاکمیت اسلام، نشر و گسترش پیدا کرد تا به جنگ بدر و احد و حنین و خیبر و احزاب رسید و به فتح مکه، در هر یک از مراحل و ادوار جنگ‌ها، حاکمیت اسلام گسترش پیدا می‌کرد. این گسترش حاکمیت اسلام، از روزی که پیامبر خدا با هجرت خود وارد مدینه شدند، هسته‌ی اولیه و نخستین حکومت و حاکمیت اسلام، ریخته شد و در طول آن ده سال، روزبه‌روز، ماه‌به‌ماه، سال‌به‌سال، مرحله‌به‌مرحله، اسلام سنگرهای جدیدی را فتح می‌کرد؛ از عقبه‌ها می‌گذشت و موج اسلام علاوه بر مدینه، سراسر جزیره العرب را در برگرفت و مکه فتح شد و تا جایی که این موج به‌پیش می‌رفت و تا جایی که وقتی پیامبر خدا6 در بستر بیماری و ارتحال بودند، سربازان اسلام در دروازه‌های آفریقا و اروپا و در نقاط دوردست آن زمان، با مشکلات ارتباطی که در آن زمان بوده، حضور داشتند. معنویت اسلام، اخلاق پیامبر، حقانیت این دین، این موج را دائماً بسط و گسترش می‌داد. این امواج الهی و رسالت پیامبر، سراسر عالم را درنوردید.

درهرحال، در مدینه روزبه‌روز حاکمیت اسلام و حکومت اسلام، رو به فزونی و اقتدار می‌رفت و لذا ست که ما در مدینه با پدیده‌ی نفاق و سست ایمانانی که به‌ظاهر داعیه‌ی اسلام دارند مواجه می‌شویم. در مکه نفاق نبوده است یا به بسیار اندک بوده است. فقط مربوط به انسان‌های تیزهوش و آینده‌نگری است که آینده‌ی درخشش اسلام را می‌دیدند و روی دغل و دسیسه و آینده‌نگری خود، به‌ظاهر اسلام آورده بودند که این‌ها بسیار اندک هستند. موج مکه، موج شرک و کفر و الحاد است. مقابله‌ی با رسالت رسول خدا و پیام جدید است و طبعاً کسانی ایمان آوردند که این پیام را فهمیدند و هضم کردند و بادل و جان، دست‌به‌دست پیامبر دادند. شلاق و زندان و زجر و مرارت و تلخی را برای خدا به جان خریدند و مسلمان شدند. این‌ها (**وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُون‏\*أُولئِكَ الْمُقَرَّبُون**)‏[[8]](#footnote-8) این‌ها همان گروه‌های پیشتاز هستند. این‌ها گروه‌های الگو و اسوه هستند که در جای‌جای قرآن می‌فرماید: کسانی که قبل از فتح، ایمان آوردند مانند پیشینیان نیستند. کسانی که در زجرها و امواج خطرها وارد اسلام شدند، باکسانی که وقتی اسلام حاکم بود و قدرت داشت همراهی کردند قطعاً تفاوت دارند. انسان‌هایی که سختی‌ها را بر خود می‌گذارند و دشواری‌ها را تحمل می‌کنند و رنج‌ها را به جان می‌خرند و در وقت غربت اسلام، مظلومیت حق همراهی می‌کنند باکسانی که در انتشار اسلام به اسلام روی می‌آورند، فرق می‌کنند و لذا مکه دوره‌ی شکنجه و محاصره است دوره‌ِی تحریم و سختی و مشکلات و دشواری‌هاست و کمتر فضای نفاق وجود دارد؛ اما وقتی‌که در مدینه حکومت پیدا می‌شود و اقتدار اسلامی پیدا می‌شود، طبعاً در کنار مؤمنان راستین و مجاهدان راه خدا و دلدادگان به حقیقت دین، عده‌ای افراد سست ایمان، ضعیف الایمان و منافق و فریب‌کار و ظاهر نما و مسلمان نما هم پیدا می‌شود.

### تفاوت سوره‌های مکی و مدنی

اینجاست که وقتی آیات و سوره‌های مدینه را می‌بینیم، فضای سوره‌های مدینه فرق می‌کند. آیات و سوره‌هایی که در مدینه نازل می‌شود با آیات و سوره‌های مکه فرق دارد. اول این‌که آیات و سوره‌های مدینه، فقط به کلیات اسلام و اصول عقاید نمی‌پردازد؛ بلکه وارد جزئیات می‌شود. اخلاق، احکام، قوانین اجتماعی و حقوق اسلامی و اخلاق جامعه‌ی اسلامی و ریزه‌کاری‌های عبادت‌ها و اخلاقیات و قوانین و مقررات مدنی و کیفری و جزایی اسلام، در سوره‌های مدینه می‌آید. سوره‌ی بقره، آل‌عمران که به قوانین نکاح، معاملات، تجارت، خانواده و سایر مسائل اخلاقی و حقوقی و مقررات اسلامی در آن‌ها می‌آید؛ چون الآن دیگر همه مسلمان هستند و حکومت، حکومت اسلامی است و باید قوانین الهی باید اجرا شود؛ اما در مکه بیشتر اصول اعتقادی و ایمان و پایه‌های اصلی دین است.

فرق دوم، این نکته‌ی بسیار مهم است که در مکه، معدود آیات راجع به نفاق داریم. شاید یکی دو آیه بیشتر نیست که اهل سنت این را قبول ندارند ولی شیعه قبول دارد. سه چهار آیه‌ در مورد نفاق داریم چون آنجا جای نفاق نبود. بی‌ایمان‌ها نباید ریا و تظاهر کنند؛ اما در مدینه، پدیده‌ی نفاق را شاهد هستیم. پدیده‌ی سست ایمانان مسلمان نما را شاهد هستیم و به همین دلیل، بخشی از آیات شریفه‌ی قرآن در مدینه، با منافق، ضعیف الایمان و انسان‌های کاهل در دین‌داری و ایمان و تقرب به خدا ارتباط دارد. همین‌طور آیات بیشتر می‌شود تا به سوره‌ِی توبه می‌رسد که محور این سوره‌، از آغاز تا پایان خود ، پدیده‌ی نفاق، سست ایمان‌ها، ضعیف الایمان‌ها، انسان‌هایی که به خاطر ترس و طمع، یا ترس داشتند یا طمع داشتند و با مسلمانآن‌همراهی کردند با موج فزاینده‌ی اسلام همراهی کردند را نشان می‌دهد؛‌اما در حقیقت، پایه‌های اعتقادی محکمی ندارند. پای قوانین و مقررات الهی نایستادند. دلدادگی به تعالیم الهی ندارند. فریب شیطان را می‌خورند. یا سست ایمان و ضعیف الایمان و (**في‏ قُلُوبِهِمْ مَرَض**) [[9]](#footnote-9)‏مرض هست یا منافق رسمی است که هیچ اعتقادی ندارد. منافق و (**في‏ قُلُوبِهِمْ مَرَض**) مرض یک طیفی دارند. آیات مدینه، خیلی با این مسئله ارتباط دارد. این سوره، به همین قرینه، دو بخش دارد. بخش اول آن را شرح دادیم که سه قول در آن بود؛ این سوره در مکه یا مدینه نازل‌شده یا بخشی در مکه و بخشی در مدینه نازل‌شده است. بخش اول سوره، در مکه نازل‌شده است. (**أَ رَءَيْتَ الَّذِى يُكَذِّبُ بِالدِّينِ\*فَذَالِكَ الَّذِى يَدُعُّ الْيَتِيمَ\*وَ لَا يحَضُّ عَلىَ‏ طَعَامِ الْمِسْكِين**‏)[[10]](#footnote-10) این در که نازل‌شده است. می‌بینی ابوسفیان و ابوسفیان‌ها و مشرکانی که بی‌اعتقاد به قیامت و معاد هستند، بی‌تفاوت در برابر گرسنگان و محرومان هستند و ضایع کننده‌ی حق یتیمان هستند. طبیعت بی‌ایمانی این است. این بخش در مکه نازل‌شده است. اما بخش دوم این سوره‌، به نظر می‌آید که در مدینه نازل‌شده باشد. این بخش از سوره، مربوط به سست ایمانان و منافقانی است که به‌ظاهر در صفوف مسلمانان قرار دارند اما در حقیقت دل درگرو ایمان ندارند. این بخش دوم است که به این صورت آمده است؛ (**فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ\*الَّذِينَ هُمْ عَن صَلَاتهِمْ سَاهُونَ\*الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ\*وَ يَمْنَعُونَ الْمَاعُون**)[[11]](#footnote-11)‏ این آیات بخش دوم این سوره است که این مربوط به منافقین و سست ایمانانی است که به‌ظاهر اهل نماز هم هستند.

### نکاتی در رابطه با بخش دوم سوره

چهار نکته در این آیه آمده است. وای بر نمازگزاران. نمازگزارانی که از نماز خویش، غافل هستند. نماز می‌خوانند اما از نماز غافل هستند. نمی‌گوید: وای بر کسانی که نماز نمی‌خوانند؛ خیر نمازخوان‌هایی که از نماز غافل هستند و در نماز، ریا می‌کنند و حق مردم را به‌عنوان ماعون که بعد توضیح می‌دهیم را نمی‌پردازند.

#### نمازگزاران غافل

دو نوع صفت در نمازگزاران بی‌پایه و بی‌ریشه وجود دارد. یک صفت، بی‌اعتنایی به شرایط نماز و عبادت و بندگی خداست و دوم بی‌اعتنایی به مقررات خدا، در کمک به همنوعان و مسلمانان است. یکی مربوط به عبادت است که امر فردی و رابطه‌ِی میان فرد و خداست و دیگری رابطه‌ی انسان با جامعه و نیازهای اجتماعی برمی‌گردد. این آیات، مربوط به منافقان است. مربوط به کسی نیست که به‌ظاهر پرچم کفر و شرک را بلند کرده و اعلام می‌کند که به قیامت اعتقادی ندارد.خیر مربوط به کسی است که پرچم اسلام را بلند کرده و در نماز شرکت می‌کند؛ اما پای همه‌ی اقتضائات نماز و شرایط بندگی خدا نایستاده است. حالا یا منافقی است که اصلاً به خدا اعتقاد ندارد یا سست ایمان و (**في‏ قُلُوبِهِمْ مَرَض**) است که در شمول اطلاق آیه قرار می‌گیرد. این بخش، مربوط به مدینه است. این نوع از نمازگزاران در مدینه هستند. در مکه برای این‌که نماز بخواند، شکنجه‌ی زیر آفتاب و محصور شدن در شعب ابی‌طالب و فحش و ناسزا شنیدن را تحمل می‌کند. کسانی که با این اوصاف تحمل می‌کنند و نماز می‌خوانند علی‌القاعده مؤمن هستند و در مکه هستند. زمانی است که حق، در مظلومیت و ضعف است. اما در مدینه‌ای که مسلمانان قدرت و حکومت و سرباز و لشگر و قوانین دارند عده‌ای از روی ترس و طمع نماز هم می‌خوانند اما این نماز، پایه‌ومایه‌ای ندارد.

**علت انتخاب نمازگزاران از میان عبادت‌کنندگان**

قرآن در اینجا می‌خواهد عبادت‌کنندگان بی‌پایه را مورد نکوهش قرار دهد. انسان‌هایی که به‌ظاهر عبادت می‌کنند اما روح آن‌ها تماسی با این عبادت ندارد. بین این عبادتگران، نمازگزاران را موردتوجه قرار می‌دهد. خیلی جالب و عجیب است. شما وقتی‌که به آیات قرآن و روایات سری بزنید، هیچ عبادتی با نماز همتایی نمی‌کند. نماز در پیشانی عبادات است. نماز نماد بندگی خداست. نماز عالی‌ترین سکو برای پرواز در عالم غیب و ملکوت است. آن‌همه تمجید و تعظیمی که نسبت به نماز آمده، درباره‌ی هیچ عبادت دیگری نیامده است. ذکر الله‌اکبر است و آن‌همه فضیلت دارد. چقدر جالب است که اسلام وقتی می‌خواهد منافق را نکوهش کند می‌گوید: همان نمازخوانی که به شرایط نماز دل نداده است. همان نمازی که آن‌همه عظمت و ثواب و نقش و ارزش دارد و در همه‌ی قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته، همین نماز با این عظمت، ممکن است مانند یک پوسته‌ی خالی از مغزی و شرایط و اقتضائات خود شود و مایه‌ی سرشکستگی خود فرد در دنیا و آخرت شود. این نماز بااین‌همه عظمت و شکوه و زیبایی و ارزش، به یک‌چیزی مبدل می‌شود که قرآن می‌فرماید: (**فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّين**‏)[[12]](#footnote-12) وای بر نمازگزاران. کدام نمازگزار؟ جواب می‌دهد: (**الَّذِينَ هُمْ عَن صَلَاتهِمْ سَاهُون‏**‏)[[13]](#footnote-13) کسانی که از نماز خود غافل هستند. نماز می‌خواند؛ حتی در جماعت و جمعه شرکت می‌کند. غافل از اصل نماز نیست؛ چون می‌فرماید نمازگزاری که از نماز خود غافل است؛ یعنی نماز می‌خواند اما از نماز خود غافل است.

**مصادیق غافلان از نماز در روایت امیرالمومین7**

از امیرالمومنین7 هست که می‌فرماید: «**لَيْسَ عَمَلٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنَ الصَّلَاةِ فَلَا يَشْغَلَنَّكُمْ عَنْ أَوْقَاتِهَا شَيْ‏ء**»[[14]](#footnote-14) هیچ چیزی در پیشگاه خداوند، عزیزتر از نماز نیست. خداوند نماز را خیلی دوست دارد. پس به هوش باشید که هیچ اموری از دنیا، شما را از نماز و نمازهای جماعت و جمعه بازندارد. از ویژگی‌های مؤمن این است که امور دنیایی او را از جماعت و جمعه و نماز بازنمی‌دارد. چیزی شما را از نماز بازندارد. بخصوص در مورد نماز جمعه که در سوره‌ی جمعه شنیده‌اید. (**فَاسْعَوْا إِلى‏ ذِكْرِ اللَّه**)‏[[15]](#footnote-15)بعد می‌فرماید: «**فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ ذَمَّ أَقْوَاما**»[[16]](#footnote-16) و این آیه را (**الَّذِينَ هُمْ عَن صَلَاتهِمْ سَاهُون‏**‏) تلاوت کردند. اما خداوند گروهی از این نمازگزاران را مذمت کرد و بعد می‌فرماید این‌ها چه کسانی هستند؟ چه کسانی از اهل نماز هستند که از نماز غافل هستند؟ در این روایت آمده است که « **اسْتَهَانُوا بِأَوْقَاتِهَا** »[[17]](#footnote-17) کسانی که وقت نماز را رعایت نکردند. اول وقت، بادل و جان، لحظه‌شماری کرده برای این‌که به محضر خدا مشرف شود این نشانه‌ی ایمان است. نشانه‌ی ایمان شخص این است که قبل از وقت، در انتظار گفتگوی باخداست. وقت را رعایت می‌کند. هر کاری را بر نماز مقدم نمی‌دارد. نماز را به آخر وقت نمی‌گذارد؛ قضا نمی‌شود. در اینجا یکی از مصادیق ساهون آمده و به‌صورت کلی آمده است؛ یعنی شرایط، وقت، آداب، حضور قلب، اخلاص نماز و آن‌همه آداب ظاهری و باطنی که دارد باید رعایت شود. هر چه این آداب کمتر رعایت شود وارد این گروهی می‌شود که خداوند فریاد می‌زند: نفرین باد بر نمازگزارانی که از حقیقت نماز غافل هستند. وقت، آداب، اقامه‌ی به جماعت را رعایت نمی‌کنند و آنچه که مربوط به نماز است را رعایت نمی‌کنند. این مذمتی است که خداوند راجع به منافقین، انسان‌های ضعیف‌الایمان می‌کند که نماز می‌خوانند ولی از نماز خود غافل هستند.

#### عبادت‌کنندگان ریاکار

نکته‌ی دوم هم (**الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُون‏‏**‏)[[18]](#footnote-18) کسانی که اهل ریا هستند. ریا یعنی کاری که انجام می‌دهد به خاطر دیگران است که از سخت‌ترین مرض‌ها، ریاست. اگر ریایی در عبادت باشد هم حرام هست و هم عبادت را باطل می‌کند. در سایر اعمال، همیشه این‌طور نیست که حرام باشد و عمل را باطل کند ولی هرچه کمتر باشد ارزش انسان بالاتر می‌رود. انسان‌های پاک و منزه کسانی هستند که همه‌ی کارهای خود را بر اساس خدا تنظیم می‌کنند. این کار دشواری است ولی لااقل این است که در عبادات و اعمال نیک، انسان از ریا پرهیز کند. ریا یعنی کاری کند که دیگران او را تشویق کنند. عمق ریا این است که به نظارت خدا و آینده‌ی اعمال و در قیامت اعتقاد درستی ندارد. در چند جای قرآن به همین عنوان ریا اشاره‌شده است بدون این کلمه هم در خیلی از جاهای قرآن و روایات اشاره‌شده است. در پنج شش جای قرآن هست که ریا را مذمت کرده است که دو سه مورد آن مربوط به نماز است که یکی از آن‌ها در همین آیه است و یکی هم در سوره‌ی نسا هست (**إِنَّ الْمُنافِقينَ يُخادِعُونَ اللَّهَ وَ هُوَ خادِعُهُمْ وَ إِذا قامُوا إِلَى الصَّلاةِ قامُوا كُسالى‏ يُراؤُنَ النَّاس**)[[19]](#footnote-19)‏ منافقین می‌خواهند خدا را گول بزنند و با کسالت و بی‌حالی به‌پیشگاه خدا می‌برند. باید به خدا پناه برد. اگر به او گفته شود که یک جلسه یا کلاس و کسب‌وکار و است سرحال است ولی وقتی‌که به نماز ایستاده، بی‌حال و بی‌نشاط و کسل است. این درجه‌ای از نفاق است. وقتی‌که به نماز می‌ایستند با کسالت به نماز می‌ایستند و دوم این‌که (**الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُون‏‏**‏)[[20]](#footnote-20) نماز را برای مردم و برای تشویق مردم می‌خواند. این نشانه‌ی نفاق است. در این سوره‌ هم می‌فرماید: وای بر نمازگزارانی که از آداب و شرایط نماز غفلت می‌ورزند و نماز را برای دیدن و خوش‌آمد دیگران می‌خوانند. وای بر این‌ها و به خدا پناه می‌بریم که در زمره‌ی این گروه قرار بگیریم.

**(بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ أَ رَءَيْتَ الَّذِى يُكَذِّبُ بِالدِّينِ\*فَذَالِكَ الَّذِى يَدُعُّ الْيَتِيمَ\*وَ لَا يحَضُّ عَلىَ‏ طَعَامِ الْمِسْكِينِ\*فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ\*الَّذِينَ هُمْ عَن صَلَاتهِمْ سَاهُونَ\*الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ\*وَ يَمْنَعُونَ الْمَاعُون‏)[[21]](#footnote-21)**

صدق الله العلی العظیم.

خطبه‌ی دوم

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّـهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی علی امیر المؤمنین و علی الصدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و خلف القائم المنتظر. ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمن و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین.**

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ ( يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ)[[22]](#footnote-22) عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله** بار دیگر همه‌ی شما و خودم را به پارسایی و پرهیزکاری دعوت می‌کنم و امیدواریم که همواره با یاد خدا و قیامت و مرگ، در تهذیب نفس و اصلاح اخلاق خود کوشا باشیم.

## نکاتی در رابطه با کار و کارگر

چند نکته و مناسبت است که در فرصت موجود، به آن‌ها اشاره می‌کنم. در آستانه‌ی روز جهانی کار و کارگر قرار داریم که هم باید این روز و مناسبت را به کارگران و کسانی که عناصر اصلی گردش چرخ صنعت و پیشرفت هستند، تبریک گفت و هم به نکاتی در اینجا باید توجه کنیم. همان‌طور که می‌دانید مفهوم کار و کارگر به معنای عام در نظر بگیریم، همه‌ی کسانی که به شغل مؤثری در جامعه‌ مشغول هستند زیر سایه‌ی این مفهوم قرار می‌گیرند؛ اما در دنیای امروز کارگر به کسانی گفته می‌شود که در بخش صنعت اشتغال دارند. بعد از تحولاتی که در قرون 18و 19 و 20 اتفاق افتاد، طبقه‌ی کارگر یک طبقه‌ی مهم اجتماعی شدند که در به حرکت‌ درآمدن چرخ‌های زندگی و پیشرفت جوامع و تحول صنعت در همه‌ی جوامع، نقش بارز و ممتازی دارند. در کشورهای صنعتی، به خاطر ظلم و تجاوزی که در بسیاری از مواقع از سوی سرمایه‌داران می‌شد، طبقه‌ی کارگر به قیام و انقلاب پرداختند و بسیاری از قیام‌ها را داریم که این طبقه برای احقاق حق خود بر خواستند تا این‌که بشر فهمید که باید جایگاه این‌ها را حفظ کند؛ اما امروز هم این قشر نیازمند به توجه است.

### ضرورت اهمیت به قشر کارگری

سر قضیه هم این است که ما ازیک‌طرف به سرمایه‌گذاری و تشویق سرمایه و انباشت سرمایه برای رشد اقتصادی در جوامع نیاز است و از طرف دیگر تمرکز سرمایه در نقطه‌های مخصوص، آن‌هم جدای از وجدان و انصاف انسانی و بشری، مایه‌ی نابسامانی‌های زیادی در جوامع شده و امروز هم وجود دارد. برای معالجه‌ی این امر یعنی ازیک‌طرف باید سرمایه‌ها جمع شود و سرمایه‌گذاری باید توسعه پیدا کند، صنایع که یکی از پایه‌های اصلی زندگی بشر است باید گسترش پیدا کند و عظمت و پیشرفت جوامع به این است که به صنعت بپردازند و به نحوی صنعت پایه‌ی کشاورزی و پایه‌ی زندگی بشر شده است و لذا توجه به صنعت و فناوری، لازمه‌ی پیشرفت جوامع هست. ما و جوامع اسلامی هم اگر بخواهند پیشرفت کنند ضمن این‌که روی اصول و مبانی خود باید ایستادگی کنند اما چاره‌ای جز این نیست که به صنعت و سرمایه‌گذاری توجه کنیم. اما پرداختن به سرمایه‌گذاری و رشد صنعت که لازمه‌ی رشد و ترقی جامعه هست، هنگامی ارزش و مفید است که با نگاه الهی و انسانی باشد. در گردش چرخ‌های صنعت، حقوق کارگران و حقوق جامعه، رعایت شود. برای رعایت این امر، هم باید سرمایه را تشویق کرد و هم باید تعاونی‌ها را توسعه داد تا سرمایه‌های خرد هم از همه‌ی طبقات متوسط جامعه بتوانند پایه‌ی رشد صنعت شود و برای همه درآمدی داشته باشد و هم این‌که کارگران که عناصر اصلی و بدنه‌ی صنعت هستند هم به لحاظ انسانی و هم به لحاظ حقوق اجتماعی و اقتصادی مورداحترام باشند و حق آن‌ها ضایع نشود. این‌ها اصولی است که باید با این اصول به صنعت و توسعه‌ی آن توجه کرد.

### ضرورت فرهنگ‌سازی و حمایت‌های دولتی و مردمی برای توسعه‌ی صنعت در منطقه

استان و منطقه‌ی ما منطقه‌ای است که به دلایل مختلفی که باید در جای خود بررسی شود، رویکرد خوبی به صنعت داشته و باید تقدیر و تشویق کرد. شتابی که استان و منطقه‌ی ما به سمت صنعت داشته، امر پسندیده و ارزشمندی است که هم وظیفه‌ی مردم است که به این سمت بروند و به آن توجه کنند و هم مسئولان و دولت‌مردان است که از سرمایه‌گذاری و توسعه‌ی صنایع، به‌تناسب آنچه که در استان و منطقه هست حمایت کنند و آن را تشویق کنند. این وظیفه‌ی دولت‌مردان است و قبل از آن وظیفه‌ی خود مردم است که فرهنگ آن‌ها فرهنگ تلاش و سرمایه‌گذاری باشد و باید این فرهنگ در شهر ما هم باشد. فرهنگ بیکاری و کسالت و تنبلی و به انتظار این‌که کار اداری و آسان پیدا شود، این‌ها خلاف لازمه‌ی رشد یکجامعه‌ و خلاف نگاه اسلامی است. باید فرهنگ، فرهنگ کار و تلاش و تکاپو و جمع‌کردن سرمایه‌ها و سرمایه‌گذاری برای پیشرفت صنعت و زیرساخت‌های جامعه باشد. فرهنگ کار و تلاش و سرمایه‌گذاری و پیشرفت امور صنعت از کودکی در فرزندان ما تقویت شود. اما هم‌زمان با این‌‌ها باید اخلاق و نگاه انسانی و توجه به تعاونی‌ها و توجه به حقوقی که کارگران دارند هم امر مهمی است که باید این‌ها باهم و متوازن در مهندسی جامعه، طراحی شود و فرهنگ جامعه هم باید این‌طور باشد. هم قوانین و مقررات باید تقویت‌کننده‌ی اقتصاد و صنعت باشد؛ هم حمایت‌کننده‌ی از کارگران و هم فرهنگ جامعه و فرهنگ کارفرمایان، باید احترام و تکریم به کارکنان و کارگران باشد. ما سه چهار هزار نفر در منطقه داریم که کارگر هستند و در صنایع مختلف، فعالیت دارند. جمعیت سه چهار هزار نفر، جمعیت مهمی است. نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری و توسعه‌ی صنعت برای رفع بیکاری مهم است و باید تشویق شود.

### رعایت حقوق کارگری توسط مسئولان و کارفرمایان

اما درعین‌حال، باید هم مسئولان و هم کارفرمایان، آن‌هایی که سرمایه‌ای دارند توجه کنند که نعمتی که در دست آن‌هاست یک بخش مهمی از آن‌ها همین کارگران هستند. با آن‌ها با انسانیت و اخلاق برخورد کنند و حقوق آن‌ها را رعایت کنند. روابط انسانی، میان کارگران و کارفرمایان می‌تواند صنعت را به‌پیش ببرد. علاوه بر این‌که یک امر اخلاقی و ارزشی است در خود اقتصاد هم اثر دارد. بنابراین هم این مناسبت را باید تبریک گفت و هم باید توصیه کرد که اولاً به تشویق و ترغیب سرمایه‌گذاری از ناحیه‌ی مسئولان و فرهنگ سرمایه‌گذاری در خود مردم این وظیفه است. دوم تشویق تعاونی‌ها تا جلوی فاصله و تفاوت طبقاتی را بگیرد و سوم روابط انسانی میان کارفرما و کارگر است. باهم دست‌به‌دست هم بدهند و حقوق هم را رعایت کنند. خوب و درست‌کار کنند و درست هم حقوق کارگران را رعایت کنند تا صنعت توسعه پیدا کند. ما دو سه هزار نفر بیکار داریم که در سطح استان‌ هم بیکاری زیادی هست که بین 10 تا 18 درصد گفته‌شده است که این نیازمند تشویق سرمایه‌گذاری، فرهنگ کار، تلاش و روابط خوب بین کارگر و کارفرما و صنعت است و امیدوارم که این نکات به‌عنوان محورهای رشد و توسعه‌ی منطقه و محورهای مهم اخلاقی که می‌تواند چرخ‌های صنعت را به حرکت دربیاورد بیشتر توجه شود و باید هم از کارگران و هم از کسانی که در پی سرمایه‌گذاری هستند، تشکر کرد. این‌یک مناسبت بود که لازم بود راجع به آن بحث کرد.

## شهید مطهری و خدمات بی‌نظیر ایشان

نکته‌ی دوم در آستانه‌ی شهادت استاد شهید مطهری و روز معلم قرار داریم که این دو باهم تقارن پیدا کردند و مناسب بسیار جالبی است که در این روز پیش‌بینی‌شده است. 12 اردیبهشت، روزی است که تیغ جفای کوردلان و منافقان، بیرون آمد و مغز متفکری بزرگ و اندیشمندی مجاهد را نشانه گرفت. مرحوم شهید مطهری از نوادر روزگار ما از فرزانگان ممتاز و کم‌نظیر معاصر ما بودند. عالم اندیشمندی که در غالب رشته‌های اسلامی، از تخصص و مهارت فوق‌العاده‌ای برخوردار بود و این‌همه علم و دانش و اصالت فکر اسلامی را در خدمت انقلاب اسلامی و جوانان مملکت و دانشگاه‌های کشور قرارداد. در روزگاری که تیرهای بلا مغزهای جوانان ما را نشانه گرفته بود و اندیشه‌های باطل و انحرافی مارکسیستی و التقاطی دانشگاه‌ها و مغزهای جوانان ما را عاماج خطر کرده بودند، مرحوم شهید مطهری با کوله‌باری از علم و دانش و تقوا، حوزه را رها کرد و در تهران و در دانشگاه حضور پیدا کرد و منشأ آن‌همه خدمت شد. قلم و بیان و استادی و هنر و نویسندگی و کتاب و مقالات او جلوه‌های نوری بودند که از این شخصیت بزرگ می‌درخشید. خدمت فکری و اعتقادی که آن استاد بزرگ، به انقلاب اسلامی و به جوانان ما کرد کم‌نظیر است. مرزهای اعتقادی ما را پاس داشت. هنوز هم کتا‌ب‌ها و نوشته‌ها و افکار و اندیشه‌های مطهر او راه گشای همه‌ی ماست. جوانان و دانشگاهیان ما باید به امور اعتقادی و تقویت پایه‌های فکری و اعتقادی خود بپردازد که یک بخش مهم از آن، با کتاب‌های شهید مطهری تنظیم می‌شود. معلم و اندیشمندی مجاهد و انسان متعهدی که همه‌ی وجود خود را وقف اسلام کرد و شهادت بهترین پاداشی بود که خداوند نصیب او کرد. رحمت و رضوان خدا بر آن روح بلند و تابناک الهی.

### ضرورت ارتباط مردم با روحانیت راستین

باید تأکید کنیم که ارتباط با روحانیت راستین، ارتباط با عالمان پاک و وارسته و آشنایی با اندیشه‌هایی مانند اندیشه‌های مرحوم مطهری، دستگیر و مایه‌ی هدایت ماست که نباید از آن غافل باشیم. بخصوص نسل جوان و دختران و پسران دانشجوی ما که باید برای ‌آن‌ها برنامه داشت و تلاش کرد.

### پاسداشت روز معلم

چنین روزی به‌عنوان روز معلم هم یادشده که باید از همه‌ی سربازان فکر و فرهنگ و معلمان و مربیان علم و اخلاق که در آموزش‌وپرورش و دانشگاه‌ها و حوزه‌ها در خدمت نسل امروز هستند، برای این‌که علم و دانش در این کشور توسعه پیدا کند تقدیر و تشکر کرد. بحمدالله خدمات ارزشمند میلیون‌ها معلم و استاد و مدیر و دبیر، در خدمت جامعه است و اگر این خیل عظیم، علم و دانش را بااخلاق و معنویت درآمیزند و همه‌ی مجاهدت خود را برای پرورش انسان‌های بزرگ و عالم قرار دهند، بازهم این کشور می‌تواند قله‌های بلندتری را فتح کند. پیشرفت‌های علمی کشور ما داشته به آموزش‌وپرورش و به دانشگاه‌ها برمی‌گردد. ما این مراکز علمی را باید از آسیب‌ها و آفت‌هایی که جامعه‌ی ما را از اخلاق و طهارت و پاک‌دامنی تهی می‌کند باید حفظ کنیم. این وظیفه‌ِی مدیران و معلمان و مربیان و خانواده‌هاست که فرهنگ علم و تحصیل، اخلاق و معنویت، دوری از آفت‌ها و آسیب‌های اخلاقی را توسعه دهند و روز معلم را باید گرامی داشت و مقام و منزلت والای این سربازان خط مقدم پیشرفت علمی و اخلاقی را باید تکریم کرد.

## سنگ‌اندازی‌های کشورهای غربی و آمریکا در مذاکرات هسته‌ای

در پایان ‌هم ما همین روزها در انتظار مرحله‌ای دیگر در بحث انرژی هسته‌ای هستیم که مجال توضیحات بیشتر نیست. آنچه که ما باید بر آن پافشاری کنیم و با بصیرت و درایت در پی آن حرکت کنیم، حفظ حقوق امروز و آیندگان کشور است. بهانه‌جویی‌های غلط و زورگویی‌های بی‌جایی که امروز، برای خلع کشورهای اسلامی از علم و دانش به کار می‌رود. آن‌ها خاورمیانه و کشورهای اسلامی را برای نفت خام آن‌ها می‌خواهند و معادن خام آن‌ها مورد رغبت آن‌هاست. آن‌ها دلشان می‌خواهد نفت و معادن ما را ارزان ببرند و علم و دانشی را که بتواند ارزش‌افزوده‌ی این‌ها را بالا ببرد را از ما بگیرند. انرژی هسته‌ای که ما و همه‌ی دنیا به آن نیاز دارد را از ما می‌خواهند از ما بگیرند و مطمئن هم باشید که اگر یکجا ایستادگی و شهامت و البته درایت و تدبیر نایستیم در جای دیگر هم گیر خواهند داد. در دنیای جنگل‎وار امروز، راهی جز قدرت و توان و علم و دانش، همراه با ایمان نیست. انقلاب اسلامی راه را به روی ملت ما گشوده است و ما و جوانان ما باید با ایمان و بصیرت و درایت و با علم و دانش، قدرت لازم را به دست بیاورند. ما قدرت فکری، معرفتی و معنوی بزرگی در دنیا هستیم. این قدرت باید همراه با علم و دانش و فناوری‌های پیشرفته بشود. پیشرفت در این عرصه، نیازمند به مقاومت و درایت و مجاهدت دارد که بحمدالله ملت ما از این ویژگی‌ها برخوردار است و امیدواریم که خداوند هم این ملت فداکار و مجاهد در راه خود را مورد لطف بیکران خود قرار دهد.

**دعا**

نسئلک اللهم و ندعوک، باسمک العظیم الاعظم، الاعز الاجل الاکرم یا الله

خدایا دل‌های ما را به انوار ایمان روشن بفرما؛ اللهم اغفر للمومنین و المومنات والمسلمین والمسلمات؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر و اهله؛ اللهم انصر جیوش المسلمین و عساکر المسلمین؛ خدایا خدمتگزاران به اسلام و مقام معظم رهبری و مراجع عظام را مؤید و منصور بدار؛ ارواح تابناک شهیدان و امام شهیدان و اموات و درگذشتگان و مراجع و علمای فقید ما و درگذشتگان این جمع را با اولیای خودت محشور بفرما؛ باران رحمت و برکاتت بر ما فرو بفرست؛ سلام ما را به محضر امام عصر7 ابلاغ بفرما؛ ما را از یاران او مقرر بفرما.

**( بسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يلِدْ وَلَمْ يولَدْ وَلَمْ يكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ)[[23]](#footnote-23)**

1. . سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی 102. [↑](#footnote-ref-1)
2. . نهج البلاغة، خطبه 204، ص 234. [↑](#footnote-ref-2)
3. 2. سوره‌ی بقره‌ُ، آیه‌ی 197. [↑](#footnote-ref-3)
4. . سوره‌ی ماعون، آیات 1-3. [↑](#footnote-ref-4)
5. . سوره‌ی ماعون، آیه‌ی2. [↑](#footnote-ref-5)
6. . سوره‌ی ماعون، آیه‌ی 3. [↑](#footnote-ref-6)
7. . سوره‌ی ماعون، آیات 4- 7. [↑](#footnote-ref-7)
8. . سوره‌ی واقعه، آیات 10 و 11. [↑](#footnote-ref-8)
9. . سوره‌ی بقره، آیه‌ی 10. [↑](#footnote-ref-9)
10. . سوره‌ی ماعون، آیات 1-3. [↑](#footnote-ref-10)
11. . سوره‌ی ماعون، آیات 4- 7. [↑](#footnote-ref-11)
12. . سوره‌ی ماعون، آیه‌ی 4. [↑](#footnote-ref-12)
13. . سوره‌ی ماعون، آیه‌ی 5. [↑](#footnote-ref-13)
14. . وسائل الشیعه، ج 4، ص 113. [↑](#footnote-ref-14)
15. . سوره‌ی جمعه، آیه‌ی 9. [↑](#footnote-ref-15)
16. . وسائل الشیعه، ج 4، ص 113. [↑](#footnote-ref-16)
17. . همان. [↑](#footnote-ref-17)
18. . سوره‌ی ماعون، آیه‌ی 6. [↑](#footnote-ref-18)
19. . سوره‌ی نساء، آیه‌ی 142. [↑](#footnote-ref-19)
20. . سوره‌ی ماعون، آیه‌ی 6. [↑](#footnote-ref-20)
21. . سوره‌ی ماعون. [↑](#footnote-ref-21)
22. . سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی 102. [↑](#footnote-ref-22)
23. . سوره الاخلاص [↑](#footnote-ref-23)